

بهار در کارفرار سیدنست

زمستان گذشت و بهار در کارفرار رسید. يك بهار يک خدا مبدانه چه ها رو خواهد داد. چنانکه مبدانم ايست و زمستان واهمه دولتها بشار کات جنگي برداشته اند که از بهار بکار جنگ برخیزند.

در اين زمستان مبدانان آلمان دو فروت ووسيه عقب نشيني کردند ، و چنانکه خود نیز می گویند يکمرتبه بسيجی برای برداشت اند که در بهار بجران زمستان را کنند . از آنسوی دولت روس پتکيل افزار و سيله پرداخت برای باسندمی آماده میگردد .

از اينرو بايد گفت در بهار آینده پکرتت اوجنگهای سخت در فروت آلمان و روس رو خواهد داد که نزدیکترین ميدان جنگي بناست . بلکه چنانکه کارآگاهان جنگي گمان ميرند حمله آینده آلمان بظفار که در همسایگی ماست خواهد بود .

بگمان اين کار آگاهان نیاز آلمان بفت و بترين بيشتر از آن میباشد که در دسترس میدارد و اگر تدارکي نکند همین کبابي نفت و بترين مایه شکست او خواهد بود . از اينرو میگويند : در بهار نخستين زور آزمایی را بر سرکانهای فقار خواهند کرد و نخستين حمله را آنجا خواهند برد .

اين گمانها اگر راست دو آيد جنگ ببا بيسار نزدیکتر خواهد گرديد ، بلکه بايد گفت آتش آن بدامن ما نیز خواهد رسيد .

اينها گمانهایست که ميرود و چندان باکی هم نيست . اگر جنگ سا تيز رسيد رسيد . ما از ديگران گرامی تر نيستيم و از آنان جدا نيمائيم . در اين سه سال بيشتر کشور ها آسیب جنگ را ديده اند کشور ما نیز يکی از آنها باشد . ما اگر آرزو مند باشيم که دو چين زماني بيکيلو آسوده بچشم آرزوی خلقي کرده ايم . از آنسوی ايران بلر ها جنگ ديده بیکار ديگر نیز بيند . اينها باکی ندارد .

آنچه باک دارد و ما به نگرانی ميشاهد حال خود کشور است . از اين رهگذر است که ما در روس ستم و بوشني اين گفتار بر خاست ايم .

پيش آمد های شهر يور ماه يك نونه ای بود که در اين کشور چگونگی بنياد اجتماع سست و چگونگی پايه اخلاق پست است . از آن پيش آمد ها بايد عبرت گرفته و برای آینده بي باک و بي پروا نشست .

در آن داستان ما بديهم ميباری از کار کنان غالبقام دولت پايندی بوظيفه خود تسودند و تو گوی در يك کشور يکسانه ای ماموريت داشته اند که هيچکس خطر نمودار شد مردم را گرازدند خود بگريختند . هيران بزرگ و سران لشکر هم گريختند و هم نادرستی کردند و هم اسلحه و افزار به دست افزار دادند .

اينها بماند ، اينها را بار ها گفته ايم . ما دو تهران بديهم هيچکس خبری وسيله که جنگي رخ داده در اندک زماني نان کباب گرديد . قتل و شکر و نفت و ذغال و ديگر در باسندمی زندگی نابود شد . دکانهای سقط فروشان و بقالان و قنادان تهی گرديد . ترخا دو برابر بالا رفت . مردان و زنان در بيلد کانهای دام کردند و همديگر را لکه مال ساختند . انوبوسها از کار افتاد و آمد و شد بريده گرديد .

با آنکه در اينجا خطر کم بود بلکه خطری نبود خاندانها بکوج پرداختند . توانگران سوار اتومبيل های اداری بملخصي گرديدند و بپايشان و شرارت نهادند . کبابي و رشتن و چرا ميرفتند .

در تهران هر روز دو دوغيهای رنگارنگي ساخته پراکنده ميگردانند ، هر کسی به پيش آمد معنی ديگری می داد و پرايهای ديگری می بست . همچو دشت و چشمان دشت و باکم کرده نسی دانسته به بايد کرد . اگر جنگ بپست روزمانند می یافت دو تهران مردم از گرسنگی ميرودند و صحنه ها ناگوار رخ می داد .

اين در پاينت کشور بود . از اينجا پيداست که بيرون ما چه حال داشته . دوجايکه مردم پاينت اين رفتار را ميگردند چه شکست داشته که دو برونها بیکار رفته کسبته کرد و هرج و مرج رخ سايه ؟ چه شکست داشته که دوستان گرامی بر آهمن دريند و چوپا و نفت های آتراكشيه بيرد ؟ چه شکست داشته که لران و شاهسونان بيزنگ بتاراج و هلاکتي بر دارند ؟ چه شکست داشته که گردان بکشتار و خونريزی برخيزند ؟

اين بکمالی است که من نميدانم آنرا چگونه تصوير سايم و از زشتی آن با چه زبانی سخن و انما تو گویی دو ميان اين مردم کترین رابطه ای باز نمانده و هر کسی چه دريند خود نيست . تو گویی اين کشور حال اين مردم نيست و هيچگونه دلبستگی آن ندارند . تو گویی يك گروه برا کدمويلگرديده که از راه باين سرزمين رسيد اند و هيچ رابطه ای در ميان سني باشد .

اين چيزيست که بايد باکش داريم و دو بی چاره اش باشيم . شما چنين انگاريد بهاری رسيد و ما نفراست جنگ تا پيران رسيد . آيا با اين گمان و با اينحال سرنوشت اين کشور چه خواهد بود ؟

بگر چيز هايکنار آذوقه و خوار بار چه صورتي پيدا خواهد کرد ؟ داستان کوچ و گريز تو بکسران و اتومبيل داران چه ونگي پيدا خواهد نمود ؟

اينجا چيز هايست که بايد انديشيم و دري چاره اش باشيم . چه جنگ بکشور ما برسد و چه نرسد يك سالهای پرتنگ را در پيش داريم و بايد خود را آماده آن گردانيم . خواهيد گفت چگونگی خود را آماده گردانيم ؟ من دو شماره آينده باسخ اين پرسش را خواهم نوشت .

پيشنهادهای مانهدي سپاه غرب

کسانی که در شهر مصفاي ستهج چندی اقامت کرده و برای ديدن آسمان و اينه تدوين اين شهر نمي چنه برداشته اند دووهله اول مسجد جامع شهر باد تاره که از آن بخيابان بزرگ شهر بلر شده نظر آنرا جلب و افلا بپراي ديدن آنرا اين بنا داخل مسجد خواهند شد .

چون نظرم در اين جا توصيف کيفيت ساختمان و بيان تاريخچه بنای نامبرده نيست بهمين جهت از خواننده گان گرامی بنيخواهم ما من دو تماشا کلي ساختمان مسجد و ديدن کوچه و کنار های اين بنا همراهي نماند هيچقدر ميل دارم آنچه در کتيبه های باليه تازه که در يکی از اطراف های ضمن مسجد نظر نگارنده را بخود معطوف داشته منضمري در اينجا صحت شود .

در اطراف نامبرده دو کتيبه است که صفيه پهلوی در دو ديوار نصب شده کتيبه قديمی مربوط بدوره قزاقان و شاهزاده فرهاد ميرزا است که در اين سند منگي حکمران آنروزی کردستان شرقي راجع بچنين عهد از ايل های مرز شرقي کشور و تعمين آنها در قلعه ديزلي وارود کشي خود توصيف نموده و از افتخارات خود در بر انداختن متجاسرين بفر سرائي

پندار ها

از يك كتاب گفتار بگفتار آورده خواهد شد  
کسانی حال جو کيان هند را دليل می آورند . ميگویند : جو کيان رياست های شکستني دارند و سفتی های ناو فرسايي نموده دهند . مثلاً يکی روي يکيا ايستد و سالها همچنان بسر دهند . ديگری با بکست اردوخت آيزان باشد و چند سال همچنان باشد . در نتيجه اين سفتی ها غيب داند ، و از آينده آگاهی دهند ، و هر کسی آنچه درون دارد بگویند . دانست های شکستني از آنان در اين باره نقل ميکنند .

ميگويم : جو کيان از ما دورند و ما از حال آنان آگاه نيستيم . آنچه در باره آنان ميشنويم از زبان اين و آنست که باور نتوان داشت . زير ارمرد دو اينگونه چيز ها خود را هم فریب دهند و دروغ های ساخته نقل کنند کسانیکه در جاهای ديگری او دروغ پرهيز کننده در اينجا پرهيز نکند . اين چيزيست که ما بار ها آموخته ايم .

از آنسوی می بينم اگر جو کيان غيب ميدانسته و از آينده آگاهی داشته مردم استفاده های بسيار بزرگی از آنان ميگردند و بايستی درگاه آنان از بر اردحامرين دو گناه باشد مردم هزارها دويرامون آنان گرد آيند و از غيب گوئی آنان بهره جويند . ديگران مانند دولتها ميتوانستند استفاده های بسيار بزرگی از ايشان کنند . دولت انگليس که سرزمين جو کيانيت دو دست اوست ميتوانست با بر سيند از جو کيان حال دولت های ديگر را پداند و از راز های آنها آگاه باشد و از پيش مسيح چاره کند .

شما ديديد که هيچ چندی پيش زابون بیکار جنگ آغاز کرد ؟ و بشه بيره مالزی و ديگر سر زمينهای انگليسي حمله برد و بيشترت بسياری کرده بانگليسيان شکست سختی داد و اين کار بانگليسيان دشوار افتاد و اين بود دو پا لوليت ايراد هائي به مستر چرچيل سر وزير انگليس گرفته و نزدیک بود بر سر همان کايه بيفتد . مستر چرچيل عذر آورد

که گمان جنگ بزا بون کتر می برده و ايستد ببيج دوستی دو برابر آن نکرده بود .

در اينجا می توان پرسيد : چرا مستر چرچيل نخواست بوده از غيب دانی جو کيان هند استفاده کند و از قصد زابون آگاه کرده و پدانشان دچار شکست نباشد ؟ بايد ديد آيا مستر چرچيل هفت کرده با دانستن غيب دانی جو کيان دوغ است ؟ آيا گمان يکی را باسي ميتوان باور کرد ؟

امروز از آرزو های هر دولتي بي برين برار های نهای دولتي ديگر است و چنانکه ميدانم برای اينکار بولهای گرامی مي زيروند و جنوس ها مي فرستند .

ما مي برسيم اگر داستان جو کيان راست است چه تيار باين بول و بختها و رنج برداشت ؟ چرا اين نسی کنند که يك جو کي را استفاده کنند و از غيبگوئی او استفاده کنند ؟

چرا دولت انگليس از آن جو کيان دو دانلجنس سرويس بکارتني گمارد ؟

ما شينه ايم بسياری از آن جو کيان کارشان گداييت و با کار های شکست خود از مردم جلب نظر کنند و بول گيرند . اين خود ايراد ديگر است که کسانی با دانستن غيب و آگاهی از آينده خود استفاده نکنند و از گدايي بي باز نگرند . يك جو کي اگر غيب ميداند چرا جای يك کسي و از گيبهای نپان دو زمين نشانه و با دو آوردن آن توانگر و بي تيار نگردد ؟ چرا با پيشيني از گرائی نالن کالا يك داد و ستدي نکند و سود سرشاری نبرد ؟

برجسته سر لشکر قبيد که بالاخره متشبه بجاهاشی اين سريل با شهادت دوهمان منطقه گرديده ياذکر نام شهدای همراهش نصب شود تا باين وسيله کتيبه که در بيش بدست خود سر لشکر قبيد گذاشته شده تکميل شود .

در تجليل مقام اين سريل ر حيد با تقوی اگر از حد اعتدال نيز خارج شده و امر ابا کيم با حق آن ادا نشده زيرا در کشور يکه همه اين قبيل انسان هنوز از تعداد انکشتان بکفر تجاوز نسی کند قبيده من بايد محاسبه آنها را سر هر کوي و بر زني بکداريم در سفر کردستان کار های از بعضي جانشينان حسن سر لشکر ايم و چند نفر مامورين متفق کشوردی پادداشت کرده ام که اگر روزی امکان گفتار باشد قطعه اده انوشنوه گارنضيا و مضامي را که پادداشت نموده ام اسانه نقلی خواهد کرد و از بر رسي درصان

شادروان شيخ احمد روهي



اين مرد نیز از کسانيت که دو راه دلسوزی بنوده ايران کشته گرديده . اين تيز همچون ميرزا آقاخان کرمانيت و همچون او از کرمان شهران آمده و از اين جا به استانبول رفته و بيشتر زمان با ميرزا آقاخان همراه بوده .

يکی از سرگذشت های اين دو تن آن است که در ترکيه با اوليان آمزش داشته اند و زماني با آنان بوه و خوشاوندی ما ميرزا يحيی صبح اول پيدا کرده اند و کاپها نيز دو باره آن کيش توشته اند . ولي بيس از آن برگشته و چنانکه نوشتيم در آخرهای زندگانی خود از يروان سيد جمال الدين بوده اند .

شيخ احمد نيز با ميرزا آقا خان و علمي ميرزا جستان ميرالک شمشه دوطر بزان در زندان بوده و سپس به تيريز آورده و با آن نو شياه سر بريده اند .

کشته شمن اينجا دو تيريز بادستور محبه علی ميرزا داستان دوازی دارد که دو بخش يکم تاريخ مشروطه نوشته شده است . کسانیکه ميخواهند آن کتاب را بخوانند .

ببخاهم شلامعلي مير و س

اسرار استنطاق

من از صدای با اساس نمودم که ششمی به پشت در بآهين گرديد آمد باسيان گرديد نزدیک او رفته و مجددا بر گشت و در ب اطاق مرا باز کرده بشقای بر از جلو و کباب پيش من گراشت . غصه رانده اعصاب مرا مشغول داشته بود پس از سه روز گرسنگی شواستم حتى لقمه از آن ندا بيقوم و نيز تصور کردم که عواره های زندانيان هيئتطور است . قدر آن فلان را نشاختم . اينک دو تمام مدت زندان مجرد تاسف اين غفلت را ميخوردم

ساعات و دقائق با اندیشه های مدهش و پریشان من همدست شده برهنه من ميتازند . من آرز و دارم که دو زخود و مرا بيزند تا نظر از زندان بکنيم و خيرانهش واکه اندویشان را نشنيدم فلان کيم تا مرا آواد تبليد . وليکن بس شرمه ام که چرا همان ديشب لتور آيان و بکار بستم و بنده شاز ا ببول تسودم . فردا ميروم پوروش ميخواهم تا مرا بيشنند و آردم کنند . چگونۀ نادانی و غفلت کرده گفته های آن حامت خير و تیکو منش را بپذيرم ؟

اکنون بايد شکايتش تا زود شود روزی کنيانيت و آزادی من در آن است . ديگر چه اندیشه کنم و چرا اکران باشم فردا آواد خواهم شد .

خلاصه اين پندار های جلاله و خام مدتی مرا مشغول دا شدند ولی از دور و روشنائی اثری نيست .

من کشتهای خود را بجاى بالش زير سر نهاده زانو ها را در آغوش کردم و دو گوشه اطاق بروی دمه افتادم تا مگر سفتی بخوابم و از قيد غم آواد شوم . من شسته بودم ولی سرمای شديد زمستان هر دقيقه مرا از خواب پریشان پيدار ميشود . باز خواب ميرم و رزبا های قطع و پریشان ميديدم که اغاسرا فراموش کرده ام و آنچه به نظر دارم در اينجا می نویسم :

خواب ميديدم که در صحرایي ايستاده ام جماعتي مانند ترشه و حوری سویی من می آيد و لي هر قدر نزديکتر ميرسد حسن و وجاحت آنها بکرامت و لشروني ميل ميگردد و چون بن ميرسد صورت عفریت و ديو جلوه ميکنند چنان می نمايد که قصد جان من دارند ؟

گفتم می ديدم که دو مکانی ايستاده ام و اطراف مرا رسته های بلند کوه احاطه کرده اند . هوا ابر است و بلران شدت ميبارد و احتمال آن ميرود که طوفان شود و سيل بيابد و مرا بيرد .

بازی می ديدم که دو داخل کوچه های تنگ و تاریکی سرگردانم و بيرطرف ميرود به بن بست ميرسم آخر صدای پا نسی و اشينه بسوی آت حرکت کردم . ديدم مردی يادختر خود راه ميرود چون مرا ديدند بصورت ديوي در آمده بس حمله کردند . من در ب خانه را زدم تا در آن خانه پناه بيمر وليکن تادر باز شود آنها بن رسيده بودند هر دو کلوی مرا گرفته فشار ميدادند و ميخواستند مرا خفه

پاداشتها به هل تاشي آن حدود و موجبات گرفتاری های امروزی دولت بی خواهند برد .

ببخاهم شلامعلي مير و س

اسرار استنطاق

من از صدای با اساس نمودم که ششمی به پشت در بآهين گرديد آمد باسيان گرديد نزدیک او رفته و مجددا بر گشت و در ب اطاق مرا باز کرده بشقای بر از جلو و کباب پيش من گراشت . غصه رانده اعصاب مرا مشغول داشته بود پس از سه روز گرسنگی شواستم حتى لقمه از آن ندا بيقوم و نيز تصور کردم که عواره های زندانيان هيئتطور است . قدر آن فلان را نشاختم . اينک دو تمام مدت زندان مجرد تاسف اين غفلت را ميخوردم

ساعات و دقائق با اندیشه های مدهش و پریشان من همدست شده برهنه من ميتازند . من آرز و دارم که دو زخود و مرا بيزند تا نظر از زندان بکنيم و خيرانهش واکه اندویشان را نشنيدم فلان کيم تا مرا آواد تبليد . وليکن بس شرمه ام که چرا همان ديشب لتور آيان و بکار بستم و بنده شاز ا ببول تسودم . فردا ميروم پوروش ميخواهم تا مرا بيشنند و آردم کنند . چگونۀ نادانی و غفلت کرده های آن حامت خير و تیکو منش را بپذيرم ؟

اکنون بايد شکايتش تا زود شود روزی کنيانيت و آزادی من در آن است . ديگر چه اندیشه کنم و چرا اکران باشم فردا آواد خواهم شد .

خلاصه اين پندار های جلاله و خام مدتی مرا مشغول دا شدند ولی از دور و روشنائی اثری نيست .

من کشتهای خود را بجاى بالش زير سر نهاده زانو ها را در آغوش کردم و دو گوشه اطاق بروی دمه افتادم تا مگر سفتی بخوابم و از قيد غم آواد شوم . من شسته بودم ولی سرمای شديد زمستان هر دقيقه مرا از خواب پریشان پيدار ميشود . باز خواب ميرم و رزبا های قطع و پریشان ميديدم که اغاسرا فراموش کرده ام و آنچه به نظر دارم در اينجا می نویسم :

خواب ميديدم که در صحرایي ايستاده ام جماعتي مانند ترشه و حوری سویی من می آيد و لي هر قدر نزديکتر ميرسد حسن و وجاحت آنها بکرامت و لشروني ميل ميگردد و چون بن ميرسد صورت عفریت و ديو جلوه ميکنند چنان می نمايد که قصد جان من دارند ؟

گفتم می ديدم که دو مکانی ايستاده ام و اطراف مرا رسته های بلند کوه احاطه کرده اند . هوا ابر است و بلران شدت ميبارد و احتمال آن ميرود که طوفان شود و سيل بيابد و مرا بيرد .

بازی می ديدم که دو داخل کوچه های تنگ و تاریکی سرگردانم و بيرطرف ميرود به بن بست ميرسم آخر صدای پا نسی و اشينه بسوی آت حرکت کردم . ديدم مردی يادختر خود راه ميرود چون مرا ديدند بصورت ديوي در آمده بس حمله کردند . من در ب خانه را زدم تا در آن خانه پناه بيمر وليکن تادر باز شود آنها بن رسيده بودند هر دو کلوی مرا گرفته فشار ميدادند و ميخواستند مرا خفه

پاداشتها به هل تاشي آن حدود و موجبات گرفتاری های امروزی دولت بی خواهند برد .

نبايند . دو اين حال دو ب آن خانه نيز شد و ديو ديگری هم از آنها بيرون آمده بر من حمله کرد . دو اين موقع من از خواب بيدار شده مره الحال خود را دو گوشه زندان ديده شکر خدا را بجای آوردم .

هوا روشن شده و صدای عبور و مرور از دور و نزديک سکوت ميرسيد . از داخل گرديد رزمه های مختلفي بگوش ميرسد و حرکات و تکابوی زياد احساس ميگردد . معلوم است که جماعتي هم غير از من دو اينجا بسر می برند گاهي صدای دق ايا ب شينه ميشود باسيان دورا باز ميکنند ششمی از اطاق خود خارج شد در طول گرديد بسوی مقصه ناملومي ميرود . اينجا چه کساته ؟ مهم ميل دارم که دو باطام را باز کنند تا لحظه در روز روشن فتای گرديد را تماشا کنم ، ولی من بفرات آنها آشنا نيستم ؟ چه بگويم تا در را باز کنند ؟ ميترم باسيان مرا بزد . پس آندي که درنگ کرده فسيده م که هر زندانی حق دارد بیکار بمتوان فتای حاجت بيرون رود . من بدون تامل با انکشت بدوب اطاق خود رفتم باسيان دورا باز نمودم من چون راه را بيشنيدم اشتها عطر بلای گرديد و حرکت کردم باسيان هم دو اثر کيت و بيخوابي گيج و خست شده بود اينک متوجه اين اشتباه من شدم . من وقتی که دو طول گرديد راه ميرفتم زندانيان را ميديدم که قنات خود را بالا کشيده و از پنجره های فوقاني در داخل گرديد تماشا ميکنند و زندان باين دو و اطاق مقابل بکديگر و می بينند و تاراجي با هم سخن ميگویند رفتي که مرا ميديدم سلام نظامي ميدادند و با حرکات دست و سر اظهار محبت و همدردی ميکردند . چيزه های زرد و محزون موهای ژولیده و پریشان تو گویی که باس و الله و در سبای اين تيره پندان کش بسته بود . مرا که ميديدند لبخند ميزدند و لي چه لبخند و بشهدي بر حقوق و عدالت کشور بود جانها خوار روانهای قرار چهره ها افترده دلها مرده نيست نيست اثری از اخلاص و عدالت و ه انمی ميشود . هر سبزی بگردد ، خاک مصائب بر سر اين جماعت ميبارد ، هر زمان که خن معتاري متوجه اين جماعت ميشود . هر لحظه که طوفان خشم و برخش او بر سر اين تيرمعتان می تازد دل ايتان همچون مرغ بی بال در قفس سياهی سوزانشان می تبليد و شتب ميتابيد .

خلاصه من چون باختر گرديد رسيده راه بجایي بيايم بر گشته باسيان گفتم ( آقا آب خوردن کجاست ) او با اشاره دست اطاق اول گرديد و نشان داد . من وارد آيجا شدم . آيجا هم ستراج بود و هم شير آب وجود داشت . من مشغول شستن دست و صورت خود بودم . ديدم شمس متجرب بولوازی وارد آيجا شده و شروع باستالت و تسلي خاطر من نمود .

من با کمال ادب دو پيشوا ايستادم ارشتمن تبیسی بود آثار فضل و دانش از رفتار و گفتارش محسوس ميشد . او مرا دلداري ميداد و اوانده مرا تقويت مينمود و ميگفت : تا شما جوانان اين ايام بر آغوب را نشينه و اين سوانح ناگوار را تحمل ننمايد ، ليقتل بستم و مر فزادام در جامعه انقوايه داشت اينجا يك مکتب کثرت است که من زندگانی اجتنابی را تبليد ميدهد ، اينجا جهنم و دوزخ و کورشتان

نبايند . دو اين حال دو ب آن خانه نيز شد و ديو ديگری هم از آنها بيرون آمده بر من حمله کرد . دو اين موقع من از خواب بيدار شده مره الحال خود را دو گوشه زندان ديده شکر خدا را بجای آوردم .

هوا روشن شده و صدای عبور و مرور از دور و نزديک سکوت ميرسيد . از داخل گرديد رزمه های مختلفي بگوش ميرسد و حرکات و تکابوی زياد احساس ميگردد . معلوم است که جماعتي هم غير از من دو اينجا بسر می برند گاهي صدای دق ايا ب شينه ميشود باسيان دورا باز ميکنند ششمی از اطاق خود خارج شد در طول گرديد بسوی مقصه ناملومي ميرود . اينجا چه کساته ؟ مهم ميل دارم که دو باطام را باز کنند تا لحظه در روز روشن فتای گرديد را تماشا کنم ، ولی من بفرات آنها آشنا نيستم ؟ چه بگويم تا در را باز کنند ؟ ميترم باسيان مرا بزد . پس آندي که درنگ کرده فسيده م که هر زندانی حق دارد بیکار بمتوان فتای حاجت بيرون رود . من بدون تامل با انکشت بدوب اطاق خود رفتم باسيان دورا باز نمودم من چون راه را بيشنيدم اشتها عطر بلای گرديد و حرکت کردم باسيان هم دو اثر کيت و بيخوابي گيج و خست شده بود اينک متوجه اين اشتباه من شدم . من وقتی که دو طول گرديد راه ميرفتم زندانيان را ميديدم که قنات خود را بالا کشيده و از پنجره های فوقاني در داخل گرديد تماشا ميکنند و زندان باين دو و اطاق مقابل بکديگر و می بينند و تاراجي با هم سخن ميگویند رفتي که مرا ميديدم سلام نظامي ميدادند و با حرکات دست و سر اظهار محبت و همدردی ميکردند . چيزه های زرد و محزون موهای ژولیده و پریشان تو گویی که باس و الله و در سبای اين تيره پندان کش بسته بود . مرا که ميديدند لبخند ميزدند و لي چه لبخند و بشهدي بر حقوق و عدالت کشور بود جانها خوار روانهای قرار چهره ها افترده دلها مرده نيست نيست اثری از اخلاص و عدالت و ه انمی ميشود . هر سبزی بگردد ، خاک مصائب بر سر اين جماعت ميبارد ، هر زمان که خن معتاري متوجه اين جماعت ميشود . هر لحظه که طوفان خشم و برخش او بر سر اين تيرمعتان می تازد دل ايتان همچون مرغ بی بال در قفس سياهی سوزانشان می تبليد و شتب ميتابيد .

خلاصه من چون باختر گرديد رسيده راه بجایي بيايم بر گشته باسيان گفتم ( آقا آب خوردن کجاست ) او با اشاره دست اطاق اول گرديد و نشان داد . من وارد آيجا شدم . آيجا هم ستراج بود و هم شير آب وجود داشت . من مشغول شستن دست و صورت خود بودم . ديدم شمس متجرب بولوازی وارد آيجا شده و شروع باستالت و تسلي خاطر من نمود .

من با کمال ادب دو پيشوا ايستادم ارشتمن تبیسی بود آثار فضل و دانش از رفتار و گفتارش محسوس ميشد . او مرا دلداري ميداد و اوانده مرا تقويت مينمود و ميگفت : تا شما جوانان اين ايام بر آغوب را نشينه و اين سوانح ناگوار را تحمل ننمايد ، ليقتل بستم و مر فزادام در جامعه انقوايه داشت اينجا يك مکتب کثرت است که من زندگانی اجتنابی را تبليد ميدهد ، اينجا جهنم و دوزخ و کورشتان

نبايند . دو اين حال دو ب آن خانه نيز شد و ديو ديگری هم از آنها بيرون آمده بر من حمله کرد . دو اين موقع من از خواب بيدار شده مره الحال خود را دو گوشه زندان ديده شکر خدا را بجای آوردم .

هوا روشن شده و صدای عبور و مرور از دور و نزديک سکوت ميرسيد . از داخل گرديد رزمه های مختلفي بگوش ميرسد و حرکات و تکابوی زياد احساس ميگردد . معلوم است که جماعتي هم غير از من دو اينجا بسر می برند گاهي صدای دق ايا ب شينه ميشود باسيان دورا باز ميکنند ششمی از اطاق خود خارج شد در طول گرديد بسوی مقصه ناملومي ميرود . اينجا چه کساته ؟ مهم ميل دارم که دو باطام را باز کنند تا لحظه در روز روشن فتای گرديد را تماشا کنم ، ولی من بفرات آنها آشنا نيستم ؟ چه بگويم تا در را باز کنند ؟ ميترم باسيان مرا بزد . پس آندي که درنگ کرده فسيده م که هر زندانی حق دارد بیکار بمتوان فتای حاجت بيرون رود . من بدون تامل با انکشت بدوب اطاق خود رفتم باسيان دورا باز نمودم من چون راه را بيشنيدم اشتها عطر بلای گرديد و حرکت کردم باسيان هم دو اثر کيت و بيخوابي گيج و خست شده بود اينک متوجه اين اشتباه من شدم . من وقتی که دو طول گرديد راه ميرفتم زندانيان را ميديدم که قنات خود را بالا کشيده و از پنجره های فوقاني در داخل گرديد تماشا ميکنند و زندان باين دو و اطاق مقابل بکديگر و می بينند و تاراجي با هم سخن ميگویند رفتي که مرا ميديدم سلام نظامي ميدادند و با حرکات دست و سر اظهار محبت و همدردی ميکردند . چيزه های زرد و محزون موهای ژولیده و پریشان تو گویی که باس و الله و در سبای اين تيره پندان کش بسته بود . مرا که ميديدند لبخند ميزدند و لي چه لبخند و بشهدي بر حقوق و عدالت کشور بود جانها خوار روانهای قرار چهره ها افترده دلها مرده نيست نيست اثری از اخلاص و عدالت و ه انمی ميشود . هر سبزی بگردد ، خاک مصائب بر سر اين جماعت ميبارد ، هر زمان که خن معتاري متوجه اين جماعت ميشود . هر لحظه که طوفان خشم و برخش او بر سر اين تيرمعتان می تازد دل ايتان همچون مرغ بی بال در قفس سياهی سوزانشان می تبليد و شتب ميتابيد .

خلاصه من چون باختر گرديد رسيده راه بجایي بيايم بر گشته باسيان گفتم ( آقا آب خوردن کجاست ) او با اشاره دست اطاق اول گرديد و نشان داد . من وارد آيجا شدم . آيجا هم ستراج بود و هم شير آب وجود داشت . من مشغول شستن دست و صورت خود بودم . ديدم شمس متجرب بولوازی وارد آيجا شده و شروع باستالت و تسلي خاطر من نمود .

من با کمال ادب دو پيشوا ايستادم ارشتمن تبیسی بود آثار فضل و دانش از رفتار و گفتارش محسوس ميشد . او مرا دلداري ميداد و اوانده مرا تقويت مينمود و ميگفت : تا شما جوانان اين ايام بر آغوب را نشينه و اين سوانح ناگوار را تحمل ننمايد ، ليقتل بستم و مر فزادام در جامعه انقوايه داشت اينجا يك مکتب کثرت است که من زندگانی اجتنابی را تبليد ميدهد ، اينجا جهنم و دوزخ و کورشتان

نبايند . دو اين حال دو ب آن خانه نيز شد و ديو ديگری هم از آنها بيرون آمده بر من حمله کرد . دو اين موقع من از خواب بيدار شده مره الحال خود را دو گوشه زندان ديده شکر خدا را بجای آوردم .

هوا روشن شده و صدای عبور و مرور از دور و نزديک سکوت ميرسيد . از داخل گرديد رزمه های مختلفي بگوش ميرسد و حرکات و تکابوی زياد احساس ميگردد . معلوم است که جماعتي هم غير از من دو اينجا بسر می برند گاهي صدای دق ايا ب شينه ميشود باسيان دورا باز ميکنند ششمی از اطاق خود خارج شد در طول گرديد بسوی مقصه ناملومي ميرود . اينجا چه کساته ؟ مهم ميل دارم که دو باطام را باز کنند تا لحظه در روز روشن فتای گرديد را تماشا کنم ، ولی من بفرات آنها آشنا نيستم ؟ چه بگويم تا در را باز کنند ؟ ميترم باسيان مرا بزد . پس آندي که درنگ کرده فسيده م که هر زندانی حق دارد بیکار بمتوان فتای حاجت بيرون رود . من بدون تامل با انکشت بدوب اطاق خود رفتم باسيان دورا باز نمودم من چون راه را بيشنيدم اشتها عطر بلای گرديد و حرکت کردم باسيان هم دو اثر کيت و بيخوابي گيج و خست شده بود اينک متوجه اين اشتباه من شدم . من وقتی که دو طول گرديد راه ميرفتم زندانيان را ميديدم که قنات خود را بالا کشيده و از پنجره های فوقاني در داخل گرديد تماشا ميکنند و زندان باين دو و اطاق مقابل بکديگر و می بينند و تاراجي با هم سخن ميگویند رفتي که مرا ميديدم سلام نظامي ميدادند و با حرکات دست و سر اظهار محبت و همدردی ميکردند . چيزه های زرد و محزون موهای ژولیده و پریشان تو گویی که باس و الله و در سبای اين تيره پندان کش بسته بود . مرا که ميديدند لبخند ميزدند و لي چه لبخند و بشهدي بر حقوق و عدالت کشور بود جانها خوار روانهای قرار چهره ها افترده دلها مرده نيست نيست اثری از اخلاص و عدالت و ه انمی ميشود . هر سبزی بگردد ، خاک مصائب بر سر اين جماعت ميبارد ، هر زمان که خن معتاري متوجه اين جماعت ميشود . هر لحظه که طوفان خشم و برخش او بر سر اين تيرمعتان می تازد دل ايتان همچون مرغ بی بال در قفس سياهی سوزانشان می تبليد و شتب ميتابيد .

خلاصه من چون باختر گرديد رسيده راه بجایي بيايم بر گشته باسيان گفتم ( آقا آب خوردن کجاست ) او با اشاره دست اطاق اول گرديد و نشان داد . من وارد آيجا شدم . آيجا هم ستراج بود و هم شير آب وجود داشت . من مشغول شستن دست و صورت خود بودم . ديدم شمس متجرب بولوازی وارد آيجا شده و شروع باستالت و تسلي خاطر من نمود .

من با کمال ادب دو پيشوا ايستادم ارشتمن تبیسی بود آثار فضل و دانش از رفتار و گفتارش محسوس ميشد . او مرا دلداري ميداد و اوانده مرا تقويت مينمود و ميگفت : تا شما جوانان اين ايام بر آغوب را نشينه و اين سوانح ناگوار را تحمل ننمايد ، ليقتل بستم و مر فزادام در جامعه انقوايه داشت اينجا يك مکتب کثرت است که من زندگانی اجتنابی را تبليد ميدهد ، اينجا جهنم و دوزخ و کورشتان

نبايند . دو اين حال دو ب آن خانه نيز شد و ديو ديگری هم از آنها بيرون آمده بر من حمله کرد . دو اين موقع من از خواب بيدار شده مره الحال خود را دو گوشه زندان ديده شکر خدا را بجای آوردم .

هوا روشن شده و صدای عبور و مرور از دور و نزديک سکوت ميرسيد . از داخل گرديد رزمه های مختلفي بگوش ميرسد و حرکات و تکابوی زياد احساس ميگردد . معلوم است که جماعتي هم غير از من دو اينجا بسر می برند گاهي صدای دق ايا ب شينه ميشود باسيان دورا باز ميکنند ششمی از اطاق خود خارج شد در طول گرديد بسوی مقصه ناملومي ميرود . اينجا چه کساته ؟ مهم ميل دارم که دو باطام را باز کنند تا لحظه در روز روشن فتای گرديد را تماشا کنم ، ولی من بفرات آنها آشنا نيستم ؟ چه بگويم تا در را باز کنند ؟ ميترم باسيان مرا بزد . پس آندي که درنگ کرده فسيده م که هر زندانی حق دارد بیکار بمتوان فتای حاجت بيرون رود . من بدون تامل با انکشت بدوب اطاق خود رفتم باسيان دورا باز نمودم من چون راه را بيشنيدم اشتها عطر بلای گرديد و حرکت کردم باسيان هم دو اثر کيت و بيخوابي گيج و خست شده بود اينک متوجه اين اشتباه من شدم . من وقتی که دو طول گرديد راه ميرفتم زندانيان را ميديدم که قنات خود را بالا کشيده و از پنجره های فوقاني در داخل گرديد تماشا ميکنند و زندان باين دو و اطاق مقابل بکديگر و می بينند و تاراجي با هم سخن ميگویند رفتي که مرا ميديدم سلام نظامي ميدادند و با حرکات دست و سر اظهار محبت و همدردی ميکردند . چيزه های زرد و محزون موهای ژولیده و پریشان تو گویی که باس و الله و در سبای اين تيره پندان کش بسته بود . مرا که ميديدند لبخند ميزدند و لي چه لبخند و بشهدي بر حقوق و عدالت کشور بود جانها خوار روانهای قرار چهره ها افترده دلها مرده نيست نيست اثری از اخلاص و عدالت و ه انمی ميشود . هر سبزی بگردد ، خاک مصائب بر سر اين جماعت ميبارد ، هر زمان که خن معتاري متوجه اين جماعت ميشود . هر لحظه که طوفان خشم و برخش او بر سر اين تيرمعتان می تازد دل ايتان همچون مرغ بی بال در قفس سياهی سوزانشان می تبليد و شتب ميتابيد .

خلاصه من چون باختر گرديد رسيده راه بجایي بيايم بر گشته باسيان گفتم ( آقا آب خوردن کجاست ) او با اشاره دست اطاق اول گرديد و نشان داد . من وارد آيجا شدم . آيجا هم ستراج بود و هم شير آب وجود داشت . من مشغول شستن دست و صورت خود بودم . ديدم شمس متجرب بولوازی وارد آيجا شده و شروع باستالت و تسلي خاطر من نمود .

من با کمال ادب دو پيشوا ايستادم ارشتمن تبیسی بود آثار فضل و دانش از رفتار و گفتارش محسوس ميشد . او مرا دلداري ميداد و اوانده مرا تقويت مينمود و ميگفت : تا شما جوانان اين ايام بر آغوب را نشينه و اين سوانح ناگوار را تحمل ننمايد ، ليقتل بستم و مر فزادام در جامعه انقوايه داشت اينجا يك مکتب کثرت است که من







## کشف امریکا

## بخش سوم از قسمت یکم

## گریست کلمب

کلمب در باره پزون خطاکر دو فکر بیشتر نداشت: یا او یا کشتی پتنا بفر دوبا فرو رفته و راه اروپا را پیش گرفته تا مؤده یدایش جزایر جدید را که مایه شهرت و سر فرازی اسپانی بود بدو باز آن کشور برساند. شاید، اندیشه اش این بود که از دویسالار بد گوئی کرده و جایبازی های او را در این کشف مهم، کوچک نشان دهد. اما این پیش بینی ها کلمب را ناگزیر ساخت که دوحرت باسپانی شتاب کرده، نقشه های خیانتکارانه ناخداى بی انضباط کشتی پتنا را بهم زند.

اما کلمب خبره سرانه باینکار نمی پرداخت. حسن حق پرستی او، مانع بود که بدون تحقیق کامل، باینکار پردازد. او باستانی هر گونه سوء ظن را از دیوای اسپانی دور کند. او راه جلو گیری از مقصدهای شته کارن را بلد بود. همراه بردن طلا و چیزهای دیگری که از جزایر کشف شده، بدست آمده بود. بزرگ ترین برهان جایبازی های کلمب بود. همچنین همراهی چند تن از بومیان هر محل، بهترین راه رسیدن بنسود بنظر میرسد.

کلمب راه غامض پیش گرفته نخست دوازی سواحل هسپانیولا با هائینی را پیود تا هنگام پیور قسمتهای کشف نشده این سر زمین را واری کند. باین قصد رهسپار شد. فردای آنروز یکی از ناخداها باین چیزی در افت کلمب نشان داد که بگمان او یک کشتی بود. در پاسالار راه خود را پیش گرفت و بسوی آن خطه منظون روانه شد. وقت رفته ظن به یقین تبدیل گشت و کشتی ای نمایان شد. این کشتی پتنا بود که پزون سوار شده و کلمب را یکماه و نیم بی خبر گذاشته بود.

کلمب از دیدن پتنا بشگفتاندرده ولی از شادمانی خودداری نتوانست. او شاد شد و یارانش نیز شادمان گشتند. پزون خود را بکشتی در پاسالار رساند و کوشش نمود که خود را تیره کند. اثبات مطلب دشوار بود!

او بدینسان آغاز سخن کرد که بدی اوضاع جوی مایه دور مانند من از شما شده. کلمب کسی نبود که گولی بخورد اما مراعات اقتضای زمان و مکان او را واداد بصدیق اظهارات پزون نمود. خود را چنین نشان داد که حرفهای رفیق خویش را پذیرفته است و رفتارش با او کاملاً دوستانه بود در باطن از پدیده شدن کشتی از دست رفته، مسرور بود زیرا کشتی پتنا برای ادامه سفر و اکتشافات جدید بهتر و مناسب تر بود.

چیزیکه در حقیقت پزون را برای مدت دوازی از دویسالار جدا کرده بود، تنگ چشی و کوتاه نظری او بود که مثنی بیول و جبه دنیا او را واداد بتوقف در سواحل هسپانیولا کرده بود که بلکه با کشف جاهای تازه طلای زیادی بدست آورد. ولی خیال او خام بود. هیچ جای جدیدی کشف نکرد!

کلمب مشاهده کرد که جریان باد بیالگشتن آلمان کله میکند. یک نسیم خشک غربی، کشتی ها را زور داده و آنها را جلو میراند نه این آثار باسپانیاد دل میداد و میدانستند که بزودی سواحل هسپانیا را خواهند دید و خاک آرا خواهند پیود. ولی پیشی دوآمده های یک طوفان سخت امیداسپانیا را بفرمان بدل کرد. از سوی باختر ابر های تیره و هنگامیکه هنوز صد فرسک از جزایر آسور پنی آنجاییکه میتوانست پناهگاهی پیدا کند، دور نشده بودند که تاریکی وحشت آورو شب تیره ای باینکیزین روز روشن گردید. او در آن کشتی دچار اضطراب سختی گشت منتظر فرجام این بحران بیستاک بودند.

همه چشمها بسوی کلمب، آن مرد پردل و آداری که هیچ نیروی قادر به تزلزل هیله او نبود دوخته شد. او باخونسردی فرمانهای خود را صادر میکرد و در عزم خود راسخ بود.

امواج بالا میآمدند، یاقوت میرفتند، کشتی ها را نکلان داده و بدین آنها را پناه می نمودند. طوفانهای کشتی را تکه تکه میکردند. دکل کشتی ها صدا میداد، برق طاقات شوم را می شکفت. دود ترش می نمود. سیل باران بر خیزه کشنیا میریخت. طوفانهای سخت، خطر فرق کشتی را اعلام میداشت. نهای صافه و غرض امواج منظره هولناکی داشت. کشتنیا گاهی بسمت آسمان و زمانی بفرای فرو

میرفت. و هر لحظه بیم خطر بیشتر میشد. قلبها از شدت ترس از حرکت بازمانده و مردانی که در کشتی بودند در شکفت و حیرت اندر شده گاهی دست التیاج بسوی آسمان بلند میکردند و چاره بیچارگی خود را از خدای دودماندگان میخواستند زمانی یحیال افتاده بیک سکوت ژرف فرو میرفتند.

گرومی سوگند یاد میکردند که هر گاه دیوار شک مبین نصیبتان شود. بایرنه بزیارت نزدیکترین کلیسا روند و خاک استانه آنها توتیای چشم سازند.

کلمب آهن سرد میگوشت و تلاش پیوده میکرد که بلکه با تدابیر لازم، اندکی از وحشت و اضطراب باران خودسکاهد؛ ولی پس از تلاش بسیار دریافت که نفس گرم او در هیزم تر آلمان اثر نمیکند، این بود که آنها را بدست اندیشه های جانگزا سبرده خود باطمان خویش رفت.

او یک فکر بیشتر نداشت: میخواست بشکورت، بجهان، کشتیهای خود را نشان دهد. میخواست جلوه ای که بسوی عالم جدید رسم نموده، پیدا کند.

پوست آهولی بر داشت و با شتاب شکستی مهمترین خبرهای مربوط بجهان جدید را ووی آن رشت. نوشته او تا کرد و در یک پارچه سفید روغن آلوده پیچید. پارچه سفید نیز بیک شمع غیرقابل غولی پیچیده شد و بادقت کامل نوری یک چلیک کوچک جا گرفت و بفر دوبا رفت.

او فکر میکرد که امواج، این چلیک را با ساحلی خواهد انداخت و مردمانی آنرا بر داشته واز راهی گرایبانی آگاهی خواهند یافت!

برای اطمینان خاطر، چلیک دیگری بهین ترتیب تهیه و بدیناله کشتی خویش آویزان نمود هنگام غرق کشتی در آنجا باشد. سپس دریا سالار منتظر مرگ با عنایت خدائی بود زیرا قط لطف نادرانی میخواست او و یارانش را نجات دهد ولی کلمب از مردن واهه ای نداشت زیرا با مقناتی که چیده بود میدانست که آینه کفن او احوال او آگاه خواهند شد و راز دلش را خواهند دانست.

## شدت جنگ در جبهه شوروی

## استکھلم - خبرگزاری انگلیس

اطلاع می دهد بطوریکه در استکھلم اظهار اطلاع میشود دومنطقه استارابا روسا جنگهای شدید ادامه دارد و آلمانها باید آینه باقیانده سپاه فارزدم خود را که در آن جبهه بدست نیروی شوروی تحت فرمان ژنرال کورودوینکین محاصره شده است نجات بخشند نیروهای کمکی هنگفتی به آن آورده اند.

اظهار میشود که در جنگ (استارابا روسا) تلفات آلمانها از چهار لشکر هم بیشتر شده است باین منی که لشکرها ای دویست و نوزده و دویست و نود و سه و دویست و سی و یک واحد از نیروی حله آلمان نابود گردیده اند. با اینکه ده روز بود نیروی شوروی دوسی میلی استارابا روسا قرار گرفته بود باز آلمانها تصور میکردند که ممکن است در آنها ایستادگی نمایند.

آلمانی ها شهر استارابا روسا را بیک مرکز مهم تبدیل کرده و مهمان جنگی هنگفتی در آنجا قرار داده بودند. در این منطقه اسولنسک و یاروای جنگ شش جبران دارد و آلمانی ها با میه اینکه شهر (دورودوگوش) ارا که روسها دوروز اولی حله جدیدی بدستور در آورده اند پس بگردند نیروی کمکی نوری لمانده ای در این جبهه بکار انداخته اند (دورودوگوش) در پنجاه میلی غلور

## برنامه رادیوی تهران

شنبه ۹ اسفند ماه ۱۳۲۰ در تمام مدت باموج متوسط بطول ۳۳۵۷ متر برابر ۸۹۵ کیلومیکل دو ثانیه بخش میشود. به علاوه از ساعت ۱۵ - ۲۰ تا ۲۳ برنامه با موج کوتاه ۴۸۷۴ متر نیز بخش میشود.

## بخش اول

ساعت ۱۲ - سرود ملی اعلام برنامه موسیقی ایرانی (صفحه)

ساعت ۱۵ - ۱۲ گفتار خانه داری (لیاسر آرایش)

ساعت ۳۰ - ۱۲ موسیقی گوناگون (صفحه)

ساعت ۱۳ - خبر زبان فارسی

ساعت ۱۵ - ۱۳ پایان بخش اول

## بخش دوم

ساعت ۱۸ - اعلام برنامه موسیقی ایرانی (نوازندگان رادیو)

ساعت ۳۰ - ۱۸ خبر زبان فارسی

ساعت ۴۵ - ۱۸ گفتار ادبی (منوچهری)

ساعت ۱۹ - موسیقی ایرانی (نوازندگان رادیو)

ساعت ۲۰ - ۱۹ پایان بخش دوم

## بخش سوم

ساعت ۱۵ - ۲۰ موسیقی ایرانی (نوازندگان رادیو)

ساعت ۴۵ - ۲۰ انتشارات رادیوی متفقیان

ساعت ۲۱ - خبر زبان فارسی

ساعت ۱۵ - ۲۱ موسیقی کلاسیک (صفحه)

ساعت ۳۰ - ۲۱ خبر زبان روسی

ساعت ۴۰ - ۲۱ خبر زبان ترکی

ساعت ۵۰ - ۲۱ خبر زبان عربی

ساعت ۲۲ - خبر زبان فرانسه

ساعت ۱۰ - ۲۲ خبر زبان آلمانی

ساعت ۲۰ - ۲۲ خبر زبان انگلیسی

ساعت ۳۰ - ۲۲ موسیقی غربی (صفحه)

ساعت ۲۳ - پایان برنامه

برنامه موسیقی رادیو تهران روز شنبه ۱۹ اسفند ماه ۱۳۲۰

بخش اول ساعت ۱۸ - پیش در آمد بیات ترک آواز با ویلن آقای خالیدی. یک. خواننده آقای ادیب خوشنوازی.

بخش دوم ساعت ۱۹ - پیش در آمد آشناری. آواز با تار و آقای نی داود. خواننده آقای ادیب خوشنوازی.

بخش سوم - ساعت ۲۰ - ۱۵ - بیات نوری تنهای آقای معجوبی (شور). ستور تنهای آقای ساسی (بیات امپهان).

زور گویی و فشار قد بر افراشته اند میباید مشترکا موانع را از بین بردارند.

من اطمینان راسخ دارم که سر زبان دو کشور ما گذشته اورشش منوی دهان اتحاد جنگی و هلی نیز بیکدیگر داده و بدین ترتیب وظیفه عالی و مقدس خود را با وحدت کامل انجام خواهند داد.

## اعلامی چوکلک

چوکلک کینک - طبق اظهار خبرگزاری انگلیس اعلامی می باشد برادر چوکلک کینک انتشار یافته است نیروی بیانی که در پوسویان پایدار داخل کارزار شده اند روز هجدهم فوریه شوروش کرده و افسران و اربابان را بانی را کدو میباشان بورداند

گفته بواضع ژان سله بیرنه، نیروی چوکلک در شمال باختری شهرستانی شانی از سمت جنوب هوسینک نیروی ژاپن حمله برده و تلفات سنگین بیاها وارد آورده اند.

## محاصره نیروی آلمان در شوروی

مسکو - خبرگزاری انگلیس اظهار می دارد ۹۶۰۰ تن از افراد آلمان در نایب استارابا روسا تحت محاصره در آمده اند و اکنون نیروی شوروی بیکایک مواضع مستحکم و دژ های نیروی آلمان را بتصرف در میآورد.

فرمانده ارتش سرخ میگوید که از محاصره شدن این دسته از نیروی آلمان جدا مانده آنها از سایر دست های نیروی آلمانی جدا گشت استفاده را حاصل کند واحد های آلمانی مایوسانه کلیه مایه خود را بکار میبرند تا خط محاصره را از هم بکنار بکشند

نیروی شوروی همواره از موفقیت آنها جلو گیری می کند.

۲۱ هواپیمای ژاپن بر فراز رانگون مر لگون ده

رانگون - خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد از طرف نیروی هوایی انگلیس اعلام شده است که امروز با تعداد بیست و یک هواپیمای ژاپنی بر فراز رانگون مرتکوب گردیده است. از فراز بیکه ستاد ارتش اظهار میدارد در جبهه جنوبی پیچیده با دشمن تماس حاصل نشده است. تصور می رود نیرو های ژاپن از امتداد کرانه خلوری رود سیالک بسوی شمال پیش میروند.

دو جبهه شمالی واته قابل ذکری روی نداده است. بنابر بگرفته اخبار نیروی دپروز با تعداد مراکز هوایی ژاپنیا در خاک سیام از طرف دست های دواولین امریکائی سیلان گردیده است. دو سپاهکن ژاپنی سرنگون شده و دوهواپیمای شکاری ژاپن هم دوروی زمین منهدم گردیده است.

## اجرای مقررات تاریکی

لوس آنجلس - خبرگزاری انگلیس خبر میدهد بنا بر بلداشتی که روز چهارشنبه بعد از ظهر از طرف ستاد چهارم ارتش انتشار یافته است امروز با تعداد دو منطقه لوس آنجلس در نتیجه دیده شدن چندین هواپیمای ناشناس مدت چند ساعت چراغها خاموش و مقررات تاریکی بوضع اجرا گذاشته شده است.

## پیام نخست وزیر یوگسلاوی باستانی

مسکو - خبرگزاری شوروی اطلاع میدهد از ابوانوچ نخست وزیر یوگوسلاوی تلگرافی به شرح زیر باستانی و سیده است.

بناسبت جشن سالیان ارتش سرخ اینک من به نام ارتش و نیروهای دریائی و هوائی یوگوسلاوی بشما شادباش میگویم و شما مراتب ستایش خود را نسبت ببقاومت دلیرانه شما وشکستهای فاحشی که از طرف ارتش فلیه نابذیر سرخ بدشمن وارد آمده است تقدیم میدارم.

## طر فداران مفتی را یازداشتگاه بردند

لندن - خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد دستنی از فلسطینی ها که بهواخواهی از مفتی تمید شده از بیت القدس در ایران بدیوت به اقدامات ضد انگلیسی نموده بودند اینک یازداشتگمی در جنوب (رودزی) فرستاده شده اند.

این توضیحاتیست که امروز آیدن وزیر امور خارجه انگلیس در مجلس شورای ملی در پاسخ به استیضاحی که از طرف (کریم جاس) نماینده حزب کارگران شده داد.

از آیدن سؤال شد چرا بهواخواهان و اعضای دلیه سلواخه (موسی العالی) مفتی بیت القدس که دشمن حقیقی و رئیس شهاب تبلیغات ضد انگلیس در بندهاد بود و تمام این اشخاصی در تحریکات مفتی در بندهاد شرکت داشتند و با او بیگ ایران فرار کرده بودند اجازه مراجعت بفسطین داده شده است وزیر امور خارجه هم در پاسخ چنین گفته است:

تقریباً نصف فرادی های ذکور فلسطین بایران که از طرف فرمانداران ایران تسلیم ما شده اند بجنوب (رودزی) اعزام و در آنجا توقیف میباشند

سه نفر اعضای خانواده حسینی نیز جزو این اشخاص میباشند.

بجسی از مردهای دیگر و کلیه زنهای و کودکان هم اجازه داده شده بفسطین برگردند. این کار با مواظت نظر دولت فلسطین صورت گرفته است.

مقصود اینست کم اشخاصی که موردداشت خیلی خطرناک بود بجنوب رودزی فرستاده شده اند.

لندن - برار اظهار خبرگزاری انگلیس دکتر توفیق رشدی اوس که از شغل سفارت کبرای ترکیه دولتمند رگزار و ترکیه فراخوانده شده است روز چهارشنبه بسوی ترکیه حرکت کرده تا در آنجا مقام سیاسی دیگری را عهده دار گردد.

دکتر توفیق رشدی اوس مدت چند سال بشل سفارت کبرای ترکیه در لندن اشتغال داشت و یکی از مهمترین طرفداران دوستی انگلیس و ترکیه بود

معاصل دولت انگلیس بطور قطع از عزیمت وی بسیار متأسف خواهند بود زیرا وی در مدت اقامت خود در این اعتماد و ستایش کلیه کسانی را که با او در تماس بودند بر اثر صراحت لهجه و نظر صائب خود و اخلاق بین المللی بخود جلب کرده بود.

دکتر توفیق رشدی اوس از هر حیث طرف اطمینان و اعتماد آتا ترک بوده و مدت سیوه سال ست وزارت امور خارجه ترکیه را عهده داشت.

مقام سفارت کبرای ترکیه در انگلیس به (اوف اربای) یکی از بزرگترین مردان نیروی دریائی ترکیه که در مدت جنگ یونان و ترکیه فرماندهی رزمناو معروف (حمیده) را بعهده داشت و اگر ارشده است وی نیز همواره نسبت بانگلیس نظری دوستانه داشته است.

## اعلامی اطلاعات شوروی

مسکو - امروز با تعداد اداره اطلاعات دولت شوروی اعلامی می باشد برادر انتشار داد شب پیوسته شوروی به نیروی ما معیلات جنگی را بر علیه نیروی آلمانیهای باسبب داده اند. نیروی ما طی عملیات

در جبهه جنوب تنها در یکروز ستاک و شش توپ و نوزده پین انداز و ۱۷ مسلسل و ۳۴ خاک و ۱۱۵۰ گلوله توپ و یکصد و سی و شش هزار فشنگ و دو هزار و پانصد نارنجیک دستی و پنج دستگاه لنگراف

بسیم و چندین آتشخاخ سیار و دیگر آلات جنگی از دشمن گرفته اند. یکی از واحدهای نیروی ما تحت فرماندهی رگورود ضل طی عملیات در روز در جبهه جنوب باختری ده تانک و ۹۷ توپ بزرگ و کوچک و هفتاد و هشتاد و ۵۰ مسلسل و ۵ تانک ضد تانک و یکصد و هشتاد و ۹۲ گاری بر از آلات و ادوات جنگی از دشمن گرفته و سه هزار تن از سربازان و افسران آلمان را کشته اند.

## حمله هواپیماهای انگلیس به بندر کیل

لندن - چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد وزارت هوایائی روز پنجشنبه چن اعلام داشت است شب گذشته بیب انگلیهای انگلیس به (کیل) و دیگر عده های واقع در شمال باختری آلمان حمله بردند. دو هواپیمای ما ببرا کتر خود باز نگشته اند.

لندن - چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد وزارت هوایائی روز پنجشنبه چن اعلام داشت است شب گذشته بیب انگلیهای انگلیس به (کیل) و دیگر عده های واقع در شمال باختری آلمان حمله بردند. دو هواپیمای ما ببرا کتر خود باز نگشته اند.

لندن - چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد وزارت هوایائی روز پنجشنبه چن اعلام داشت است شب گذشته بیب انگلیهای انگلیس به (کیل) و دیگر عده های واقع در شمال باختری آلمان حمله بردند. دو هواپیمای ما ببرا کتر خود باز نگشته اند.

لندن - چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد وزارت هوایائی روز پنجشنبه چن اعلام داشت است شب گذشته بیب انگلیهای انگلیس به (کیل) و دیگر عده های واقع در شمال باختری آلمان حمله بردند. دو هواپیمای ما ببرا کتر خود باز نگشته اند.

لندن - چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد وزارت هوایائی روز پنجشنبه چن اعلام داشت است شب گذشته بیب انگلیهای انگلیس به (کیل) و دیگر عده های واقع در شمال باختری آلمان حمله بردند. دو هواپیمای ما ببرا کتر خود باز نگشته اند.

لندن - چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد وزارت هوایائی روز پنجشنبه چن اعلام داشت است شب گذشته بیب انگلیهای انگلیس به (کیل) و دیگر عده های واقع در شمال باختری آلمان حمله بردند. دو هواپیمای ما ببرا کتر خود باز نگشته اند.

لندن - چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد وزارت هوایائی روز پنجشنبه چن اعلام داشت است شب گذشته بیب انگلیهای انگلیس به (کیل) و دیگر عده های واقع در شمال باختری آلمان حمله بردند. دو هواپیمای ما ببرا کتر خود باز نگشته اند.

لندن - چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد وزارت هوایائی روز پنجشنبه چن اعلام داشت است شب گذشته بیب انگلیهای انگلیس به (کیل) و دیگر عده های واقع در شمال باختری آلمان حمله بردند. دو هواپیمای ما ببرا کتر خود باز نگشته اند.

لندن - چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد وزارت هوایائی روز پنجشنبه چن اعلام داشت است شب گذشته بیب انگلیهای انگلیس به (کیل) و دیگر عده های واقع در شمال باختری آلمان حمله بردند. دو هواپیمای ما ببرا کتر خود باز نگشته اند.

لندن - چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد وزارت هوایائی روز پنجشنبه چن اعلام داشت است شب گذشته بیب انگلیهای انگلیس به (کیل) و دیگر عده های واقع در شمال باختری آلمان حمله بردند. دو هواپیمای ما ببرا کتر خود باز نگشته اند.

## حمله زیر دریائی بقطار کشتی

لندن - خبرگزاری انگلیس خبر میدهد چنانکه در لندن رسماً اظهار اطلاع میشود یک زیر دریائی انگلیسی به آخرین قطار کشتنیی ایتالیائی که هارم لیس بودند سه نوبت حمله کرده است.

عملیات آلمانها در قسمت مصری روسیه

رستف - چنانکه خبرگزاری شوروی اظهار میدارد آلمانها در قسمتی از ناحیه رستف که مدتی در تصرف ایشان بوده است دست بیضا و تاراج زده و بسیاری از ابنیه عمومی و خانه های مسکونی کشورزان اشترائی را منهدم کردند.

دو بخش بلشی کرسی از بنای سی آموزشگاه جز سه تا سالم باقی نمانده و مابقی بدست آلمان ها ویران و آتش زده شده

پس از اینکه نیروی سرخ از نو این نقاط را اشغال کرد مقامات شوروی بر ترمیم خرابی های وارده پرداخته و تا اکنون نتوانسته اند چند آموزشگاه را از نو دایر سازند. مراکز متعددی نیز دو باره در رستف شروع بکار کرده و مغازه ها از نو بتروشن گشت و لوازم خرازی وقت و شکر و آهن آلات پرداخته اند.

در همه جا کارگران مزاحم اشترائی با کوشش تمام خود را برای کشت و کار بهار آینده آماده ساخته و بشور و ایجاد آبشارها و مغزلان تازه اشتغال دارند. معاینه نوع بلرها و انتخاب اقسام خوب و بد آن ها بزودی آغاز خواهد شد.

هدیه های که مردم شوروی فرستاده اند بیوسته بدهکده های که تا چند روز پیش در دست نیروی آلمان بود میرسد. بسته های که اهالی بخش زواتینو فرستاده اند بدهکده نیکلانسکا رسیده است.

مخصوصاً وسایل لباسی گرم و رو پوش ها بسیار باارزش است. زیرا اهل ران هیناری اهالی وابکلی لغت کرده و حتی کفش های نمیدن آنهارا نیز بفارث برده اند. شکتیه ها و مصالک فلاکت انگیزی که در مدت اقامت فاشیت ها در دهکده هاوشهر های مختلف بر سر مردم ستمیده آمده هم اکنون در صناعات تاریخ ثبت شده است.

تاریخ جهان دوباره آنها فضاوت خواهد کرد مردم شوروی با دلآوری و شهادت بسیار می کوشند که هرچه زودتر میکست خرابکاری های دشمنان را ترمیم کنند و از نو دستگاه اقتصادی مقتل شده را بکار اندازند.

البته دین راه اشکالات طاعت قرسانی دویش است. لیکن این مشکلات مردم شوروی را کمصمم برض موانع و معو آتو نهام فاشیت ها هستند دلرد نخواهد کرد.

## پیام شادباش

مسکو - خبرگزاری شوروی خبر می دهد رئیس ستاد نیروی امپراطوری و رئیس ستاد نیروی هوایی انگلیس تلگرافی بخوان شادباش بشرح زیر بعنوان مارشال چاپوچ یکف رئیس ستاد ارتش سرخ مقابله کردند.

در این هنگام بنسبت تاسیس ارتش سرخ نام ارتش و نیروی هوایی انگلیس بر ققای دایر دوسی خود که با جدیت خستگی نابذیر بهپاسین آلمانی حمله برده و فشار سخت بآنها وارد آورده اند با کمال صبیحت شاد باش گفته و امیدواریم شما و ارتش سرخ و نالوکان شوروی در انجام منظور خویش که هبارت از استعلاص میباشان او جنگ دشمن میباشم موفقیت کامل حاصل نمایند.

ما بیک یکدیگر دوبایان هلیات جنگی بر علیه دشمن مشترک خویش شامه بیروزی نهائی را در اغوش خواهیم کشید.

## تلگراف هرین باستانی

مسکو - خبرگزاری شوروی خبر می دهد هرین که از طرف دولوت رئیس جمهوری امریکا برای رسیدگی بالات و ادوات و لوازم جنگی در انگلستان ست نمایندگی دارد تلگرافی بعنوان استالین رئیس کبته دفاع ملی و کبسر ملی دفاع اتحاد جماهیر شوروی بشرح زیر مقابله کرده است

بنسبت تصادف با بست و چهارمین سال تاسیس لوئش سرخ بکلیه افراد ارتش شوروی و جنابانی که ریاست آن ارتش را عهده دار میباشید شادباش میگویم و امیدواریم ارایه های جنگی و هواپیمای هائیکه از امریکابکشور شوروی فرستاده شده ارتش شما را برای نالی پیروزی قطعی کک و مسامت کلی نماید.

حضور ژنرال ویول موقع سقوط سنگاپور

واشنگتن - با اظهار خبرگزاری انگلیس استیسمون وزیر جنگ امریکا در جلسه اخیر وزانیه نگاران اظهار داشت که طی ۳ ساعت اخیر ایستادگی سنگاپور ژنرال ویول در آن شهر بوده است هنگامی که فرماندهی نیروی متفقی در ناحیه جنوب باختری اقیانوس ساکن بمیده ژنرال ویول ویران معول شد وی از ژنرال مک اتزود درخواست کرد که به جزیره باتان برود و ژنرال امریکائی ژنرال ویول خبر داد که نظر او برای متفقی بسیار گرانیه است.

استیسمون در پایان جلسه وزانیه نگاران مشکلات بسیاری را که باید نیروی متفقی طی جنگ در هند هلند از پیش پا بردارند خاطر نشان کرده و دو عین حال تلفات سنگینی را نیز که نیروی متفقیین بیاوگان ژاپنی وارده شده اند ذکر داد.

استیسمون در پایان جلسه وزانیه نگاران مشکلات بسیاری را که باید نیروی متفقی طی جنگ در هند هلند از پیش پا بردارند خاطر نشان کرده و دو عین حال تلفات سنگینی را نیز که نیروی متفقیین بیاوگان ژاپنی وارده شده اند ذکر داد.

استیسمون در پایان جلسه وزانیه نگاران مشکلات بسیاری را که باید نیروی متفقی طی جنگ در هند هلند از پیش پا بردارند خاطر نشان کرده و دو عین حال تلفات سنگینی را نیز که نیروی متفقیین بیاوگان ژاپنی وارده شده اند ذکر داد.

استیسمون در پایان جلسه وزانیه نگاران مشکلات بسیاری را که باید نیروی متفقی طی جنگ در هند هلند از پیش پا بردارند خاطر نشان کرده و دو عین حال تلفات سنگینی را نیز که نیروی متفقیین بیاوگان ژاپنی وارده شده اند ذکر داد.

استیسمون در پایان جلسه وزانیه نگاران مشکلات بسیاری را که باید نیروی متفقی طی جنگ در هند هلند از پیش پا بردارند خاطر نشان کرده و دو عین حال تلفات سنگینی را نیز که نیروی متفقیین بیاوگان ژاپنی وارده شده اند ذکر داد.

استیسمون در پایان جلسه وزانیه نگاران مشکلات بسیاری را که باید نیروی متفقی طی جنگ در هند هلند از پیش پا بردارند خاطر نشان کرده و دو عین حال تلفات سنگینی را نیز که نیروی متفقیین بیاوگان ژاپنی وارده شده اند ذکر داد.

استیسمون در پایان جلسه وزانیه نگاران مشکلات بسیاری را که باید نیروی متفقی طی جنگ در هند هلند از پیش پا بردارند خاطر نشان کرده و دو عین حال تلفات سنگینی را نیز که نیروی متفقیین بیاوگان ژاپنی وارده شده اند ذکر داد.

استیسمون در پایان جلسه وزانیه نگاران مشکلات بسیاری را که باید نیروی متفقی طی جنگ در هند هلند از پیش پا بردارند خاطر نشان کرده و دو عین حال تلفات سنگینی را نیز که نیروی متفقیین بیاوگان ژاپنی وارده شده اند ذکر داد.

استیسمون در پایان جلسه وزانیه نگاران مشکلات بسیاری را که باید نیروی متفقی طی جنگ در هند هلند از پیش پا بردارند خاطر نشان کرده و دو عین حال تلفات سنگینی را نیز که نیروی متفقیین بیاوگان ژاپنی وارده شده اند ذکر داد.

استیسمون در پایان جلسه وزانیه نگاران مشکلات بسیاری را که باید نیروی متفقی طی جنگ در هند هلند از پیش پا بردارند خاطر نشان کرده و دو عین حال تلفات سنگینی را نیز که نیروی متفقیین بیاوگان ژاپنی وارده شده اند ذکر داد.

استیسمون در پایان جلسه وزانیه نگاران مشکلات بسیاری را که باید نیروی متفقی طی جنگ در هند هلند از پیش پا بردارند خاطر نشان کرده و دو عین حال تلفات سنگینی را نیز که نیروی متفقیین بیاوگان ژاپنی وارده شده اند ذکر داد.

استیسمون در پایان جلسه وزانیه نگاران مشکلات بسیاری را که باید نیروی متفقی طی جنگ در هند هلند از پیش پا بردارند خاطر نشان کرده و دو عین حال تلفات سنگینی را نیز که نیروی متفقیین بیاوگان ژاپنی وارده شده اند ذکر داد.

استیسمون در پایان جلسه وزانیه نگاران مشکلات بسیاری را که باید نیروی متفقی طی جنگ در هند هلند از پیش پا بردارند خاطر نشان کرده و دو عین حال تلفات سنگینی را نیز که نیروی متفقیین بیاوگان ژاپنی وارده شده اند ذکر داد.

استیسمون در پایان جلسه وزانیه نگاران مشکلات بسیاری را که باید نیروی متفقی طی جنگ در هند هلند از پیش پا بردارند خاطر نشان کرده و دو عین حال تلفات سنگینی را نیز که نیروی متفقیین بیاوگان ژاپنی وارده شده اند ذکر داد.



# خبرهای تلگرافی دیشب

**اعلامیه وزارت جنگ امریکا**  
**واشنگتن** - خبرگزاری انگلیس اطلاع می دهد اعلامیه ای که روز چهارشنبه از طرف وزارت جنگ امریکا انتشار یافته چنین اشیاء می دارد.  
هنگامه - شش سب افکن متکین امریکا از نوع دژ برنده امروز در نزدیکی ماکساربه کشتی های ژاپنی حمله کرده دو کشتی بزرگ دشمن را غرق کردند.

دست از هواپیماهای شکاری امریکا از نوع (ب-۲۹) فرار سورابا با پنجاه و دو سب افکن و چهل هواپیمای جنگی ژاپن مصادف داده و طی این عملیات یک سب افکن دشمن سرنگون گردید. چندین هواپیمای دیگر دشمن نیز مورد اصابت واقع شد ولی آنها ناپدید نشده است.

در هیچک از این عملیات به هواپیماهای ما آسیبی وارد نیامده است.

**اجرای مقررات تاریکی**  
**لوس آنجلس** - خبرگزاری انگلیس خبر میدهد بنا بر یادداشتی که روز چهارشنبه بعد از ظهر از طرف ستاد چهارم ارتش انتشار یافته است امروز به مدت دو هفته لوس آنجلس در نتیجه دیده شدن چندین هواپیمای ناشناس مدت چند ساعت چراغها خاموش و مقررات تاریکی به موقع اجرا گذاشته شده است.

**پام نخست وزیر و همسر وی با ستالین**  
**مسکو** - خبرگزاری شوروی اطلاع میدهد از ابوتویج نخست وزیر و همسر وی با ستالین و همسر او به استالین رسیدند. بنامیت جشن سالیکانه ارتش سرخ اینک من تمام ارتش و نیروهای دریایی و هوایی یوگوسلاوی یسما شادیش میگویم و ضمن مراتب ستایش خود را نسبت به مقاومت دلیرانه شما و شجاعتی فاشی که از طرف ارتش غلبه ناپدر سرخ بدشمن وارد آمده است تقدیم می دارم.

**تکذیب شایعه**  
**تلن** - چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد عصر روز چهارشنبه اعلام شد که ژنرال (سر آن کونینگهم) از هنگام بازگشت خود از خاور میانه با انگلستان به پیوسته سیار شده و اکنون نیز در بیمارستان برنیردونبارین شایعاتی که روز سه شنبه درباره بیماری (سر آن کونینگهم) و برسر بردن وی در یکی از بیمارستانهای نظامی جنوب انگلیس انتشار یافته بکنی بی اساس است.

**ادامه ارسال اسلحه و مهمات به چین**  
**لندن** - چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد اول هرین نماینده مخصوص ووزارت در سازمان اداره ارسال خواربار و مهمات برای انگلستان امروز در لندن اظهار داشته که ووزارت جدا مصمم است فرستادن مهمات و مواد جنگی چین از هر راهی باشد همچنان ادامه یابد. هرین بیل انگلیس ند کرداد که توانائی شکست انگیز متفق جدید خود یعنی امریکا را ناچیز نگیرد زیرا ووزارت برنامه ای چنان وسیع برای تسلیحات امریکارح کرده که حتی تصور آن نیز دشوار است. کارخانه های اتومبیل سازی از مقدار محصولات خودکاست اند تا در عرض مواد جنگی تهیه کنند. در کارخانه های اسلحه سازی امریکا اکنون دروازه انبساطی از مهمات به خارج سرازیر میگردد اول هرین در بیان گفته خود چنین اظهار داشته است ششمین چرخ دول نظرها بهترین نماینده همیت و قدرت ملت انگلیس است چیزی که قطعی است ایست که امر از اینکه جریان اوضاع مطابق یادخواه ما باشد پایا باشد قدر مسلم آنست که ششمین چرخ بیل هوارد در نظرها مظهر امید و اعتماد خواهد بود.

**اعلامیه دولت شوروی**  
**مسکو** - اعلامیه دولت شوروی که امروز عصر انتشار یافته چنین حاکی است روز یکشنبه ویرجینی نیروی ما به پیشرفت خود ادامه داده چندین موضع مسکوبی را اشغال نمود - نیروی فاشیت از حیث مهمات و مخصوصا افراد تلفات سنگین متحمل گردید. روز یکشنبه چهارم فوریه پیستوهای ایالاتی طی بیکار های هوایی سرنگون گردید و ۵ هواپیمای شوروی نیز نابود شد.

**تکذیب شایعه**  
**مادرید** - بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس امروز عصر دولت اسپانیا شایعه مبنی بر اینکه زیر درواییهای آلمانی در دریای کارائیب از ایستگاههای اسپانیایی جزایر کناری استفاده میکنند بطور رسمی تکذیب کرده است.

**بمباران بنتر ماندالی**  
**ماندالی** - بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس بطور رسمی در ماندالی خبر رسیده که ژاپنها با شلیک بنتر فرعی واقع در جنوب برمه را بدست بمباران کرده اند.

**اتهام اقدام بفرق کشتی لرماندی**  
**واشنگتن** - چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد امروز یکشنبه نماینده مجلس شورای ملی امریکا تلایب را حتم بدان کرده است که کشتی لرماندی را بعد از چند اتمام آن آتش زده اند طبق اظهار وی ۳ تن از اعیان نازی چون کارگر و دهنگام

و وقوع حادثه در کشتی مشغول کار بودند و این سمن از یکی از اعیان نازی در نیویورک که وی دامپتون نازی شماره یک امریکا نامیده و ریاست اتحادیه کشتیرانی نیویورک را عهده دار است پول دریافت میگردد و او را از انجام میداده است.

**پیام دوزولت به ستالین**  
**مسکو** - خبرگزاری شوروی خبر میدهد بنامیت جشن یست و چهارمین سال تاسیس ارتش سرخ ترانگن دوزولت دیشی جمهور امریکا پیام ملی دفاع اتحاد جماهیر شوروی فرستاده است پیروزیهای ارتش شما فوق العاده موجب تشویق ما شده است.

اینک بنامیت یست چهارمین سال تاسیس ارتش سرخ شادیشهای صمیمانه خود را تقدیم می دارم

**الهام بیکار ارتش آلمانی**  
**مسکو** - مورس لاول خبر نیکار و بزرگ خبرگزاری انگلیس چنین اطلاع میدهد منهدم شدن شازدهمین ارتش آلمان در استالینا روسا دامپتون شکست شخص هینرل دانست زیرا هینرل بان ارتش فرمان داده بود که هر طور شده ایستادگی نماید تا نیروی کبکی بوی برسد. حکمی که ژنرال بر کدرف فرمانده سی امین لشکر پیاده نظام آلمانی انتشار داده بدست نیروی شوروی افتاده است آن ژنرال طی حکم خود چنین میگوید پیشوای آلمان از تسلط جریات او ضاع در بین سیاه اطلاع دارد و قول داده است در موقع مقتضی از راه هوا نیروی کبکی برای آن سیاه اعزام دارد

هنگامی که فرماندهی نیروی شوروی شازدهمین ارتش آلمان تکلیف نمود تسلیم شود این ارتش از این دستور سرپیچی کرد طی اطلاعی که از منابع شوروی رسیده چنین شده که نیروی سرخ تا چه ضابطی پیشرفت کرده اند

قسط اظهار شده که ناپیه پر عرض و طولی در پیرامون استالینا و روسانت مناصره در آمده است. بر کدرف ژنرال آلمانی طی حکم خود اشعار میدارد که روسا ابتدا در خاور استالینا روسا موفق پیشرفت شدند و سپس بدست جنوب حرکت کردند و خطوط ارتباطی پشت سر دومین سیاه آلمانی را قطع نمودند. در این هنگام آلمانیها در صدد برآمدند فرمان هینرل را بیکار بندند و از طول جبهه خویش بیکارند ولی نتوانستند این منظور را عملی سازند زیرا نیروی شوروی با سرعت ناموزن براس بیکار پرداخت و اینک حلقه مناصره که بهر بقیای شازدهمین ارتش آلمان کشیده شده رفته رفته تنگتر میگردد.

هنگام چند ضمه تحت تسلط آلمانی هلدولی روسها بکایک آنها رس میگرد و در سرزمینی که دستور اوبرف سنگین می باشد و در آن کبیر جادهای پیدا می شود نیروی شوروی پیش می رود از جبهه عوامل پیشرفت و غلبه نیروی سرخ عملیات صفت مهندس شوروی است.

افراد مهندس برای فرستادن آلات و ادوات جنگی به خطوط جبهه و جاده توبین شکافته اند آلمانی ها تا آخرین دقیقه که مشاهده کردند نیروی شوروی بهمانشان حمله برده از وجود این جاده ها بی اطلاع بودند بسیاری از فضیلت روسیه که با وجود بایداری شدید آلمانیها پس گرفته شده از آنها بی هستند که رزم در آنها در ماه اوت یا سپتامبر سال گذشته روی داده است.

این ناحیه مرکز دریایچه نی است که در زمینهای بساتلانی که اکنون بیخ زده بطور متفرق قرار گرفته اند.

**لطف وزیر امور خارجه استرالیا**  
**کامبرل** - خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد وزیر امور خارجه استرالیا روز چهارشنبه در مجلس شورای ایالتی ایرادشده گفته است او مطمئن توانائی دولت امریکا نباید چنین نتیجه گرفت که مردم استرالیا میتوانند امیدوار باشند که در برهه اول ترین امتیاز آسایش خواهند بود تمام اهالی استرالیا باید روحیه ای نظم و روحیه یک سریز در جبهه جنگ داشته باشند دکتر (اوت) وزیر نام برده ضمن اظهار داشت برای اعزام نمایندگان سیاسی بناتحاد جماهیر شوروی و استرالیا در مذاکرات با پیشرفت های تازه ای حاصل شده است مجدداً بلوفاش لشکری استرالیا اشاره کرده نوجه مستعین خود را باین نکته معطوف داشت که نباید اندیشه ایجاد یک خط مائوئیدی که جز پرورش روح تنبلی ناپدید دیگر نفع اعمداست در خاطر دارد ضمناً گفت متابع و محصولات مستقیم متعلق از محصولات صنعتی دولتهای معور برانپ بیشتر است.

دکتر (اوت) دو بایان سخن اظهار داشت مهمترین درس عبرتی که از این جنگ گرفته میشود عبارت از نماندن منابع دولتهای متفق در طریق توزیع آن میباشد

**مذاکره برای حمل کودکان یونانی**  
**لندن** - طبق اظهار خبرگزاری انگلیس در لندن رسا اعلام شده است که از چندی پیش دولت انگلیس برای حمل عده ای از کودکان یونانی به خارج بدولت یونان وارد مذاکره شده لیکن تا اکنون هیچگونه خبری در اینخصوص رسیده است.

**وارد شدن ضربت شدید بر وی هوایی ژاپن**  
**دانگون** - اعلامیه ستاد نیروی هوایی انگلیس که امروز عصر دو روز و نیم انتشار یافته چنین حاکی است دسته های نیروی هوایی متفقین در برمه ضربت شدیدی به نیروی هوایی ژاپن وارد آورده اند و در کشتی کوچک ژاپنی در نزدیکی مولاین بدست بمب افکن های ما فرغ شده اند. امروز عصر نیز بیکاری بین عده زیادی از هواپیماهای شکاری ژاپنی که در حاصیت بسبب انکتهای ژاپنی حرکت میکردند با هواپیماهای شکاری انگلیس و هواپیماهای خلیانان داوطلب امریکایی در گرفت و در نتیجه آن عده زیادی از هواپیماهای دشمن منهدم گشتند. طی روز قریب سی هواپیمای شکاری ژاپنی سرنگون گردید لیکن هنوز نمیتوان ارقام قطعی درین باره انتشار داد.

**محاصره خطوط ارتباطی آلمانی**  
**مسکو** - مورس لاول خبر نیکار خبرگزاری انگلیس چنین گزارش میدهد «برائش اشغال شهر دوروگوروش از طرف نیروی سرخ خطوط ارتباطی آلمانها در نقاط شمال و جنوب این شهر به مناصره افزوده است. از این گذشته رسانیدن خواربار به نیروی آلمان در ناحیه وولاما و جنوب باختری این شهر پیوسته دشوار تر میگردد زیرا خطوطی که از آنها خواربار حمل میشود از خود شهر دوروگوروش می گذرند. گزارشهای که رسیده است حاکی است که موقعیت دهی شهر دوروگوروش بسیار عالی است زیرا این شهر دو کلو بخش هلیای دینیر ساخته شده و تپه ها و جنگلها از آن دفاع میکنند. نیروی شوروی از چندین جهت بدین شهر نزدیک شدند آلمان ها کوشیدند که بقتب نشینی بردارند لیکن راه بازگشت آنان مسدود شده بود و بدین جهت تا کوبیر تسلیم گشتند. بدین ترتیب نخست کوبیای خارجی شهر و سپس موضع مقدمی که کلیه سایر مواضع بشازدهمین رفته بدست نیروی شوروی افتاد و آلمانها باین نظمی فرار کردند. دو خود شهر ۴۰۰ سرباز و اسیر آلمانی کشته شد و مقدار زیادی از مواد جنگی نیروی آلمان بدست نیروی سرخ افتاد.

**قتل در بیان شیبویا**  
**توکیو** - چنانکه خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد وزارت دریا داری ژاپن اعلام داشته که در بیان (شیبویا) که پیش از این فرماندهی بخش کشتیرانی معصوم را عهده داشت دیروز در نزدیک کرانه جزیره برشو قتل رسیده است.

**تفسیر جبهه های جنگ**  
**لندن** - آنالیت مفسر نظامی خبرگزاری انگلیس چنین مینویسد «مقامات مسکو اندک پیروزی های تازه و بسیار مهم نیروی شوروی را آشکار می سازند.

نیروی شوروی سرخ در استالینا روسا که در جنوب دریایچه ایلین و در ۱۵۰ مایلی جنوب لیکراند واقع است موفقیتی بسیار مهم است. ارتش شازدهمین آلمان براتر خودداری فرمانده آن از تسلیم تقریباً بکلی نابود شده است. دوست جنوب نیروی شوروی پیروزی عالی در بخش اول و خارج نائل شده و با آلمانی ها از حیث افراد تلفات بسیار سنگین وارد آورده است. لیکن این موقعیت ها تنها قسمتی از موقعیت های نیروی شوروی در تمام طول جبهه پیش نیست. روسها جدا جزایر موقعیت های خود را بنشان نگاه میدارند تلاش از اسلحه شیرها و قنایلی که میبایست نام برده شود استفاده نکند.

در لسی انتظار هیچگونه عملیات مهمی را نمی توان داشت. در برمه مقامات انگلیسی سعی بسیار میکنند تلرانگون را صورت دوی مستحکم در آورند لیکن باید ندر کرد که وانگون پیچیده وسیله دفاع طبیعی و همچنین دفاع کافی در مقابل حلات دریایی ندارد و بدین جهت نی توان آنرا طریق خلوردور مصورت داشت. البته کشتزارهای وسیع برنج در پیرامون این مدر مانج در یکی برای استفاده ژاپنی ها از شیوه غذای آنها خواهد بود که عبارت است از رشته کردن در نقاط مختلف جبهه دشمن طاهرا ژاپنها قصد دارند از جبهه سون وار (چیکاری) واقع در شمال سیام در جهت چان واقع در برمه طیا بهمه بردارند و هدف آنها (ماندالایا) یا (لاشیو) خواهد بود.

**لطف کریین نخست وزیر استرالیا**  
**کامبرل** - با اظهار خبرگزاری انگلیس کریین نخست وزیر استرالیا لطفی که برای تاثیر انداختن جلسه مجلس شورای ملی ایراد سکندر نمایندگان پیشنهادشده که در خصوص رؤس مسائل اقتصادی مورد نظر دولت باوری بررسی نمایند. ماین رئیس حزب مخالف پیشنهاد نخست وزیر را بپذیرفت.

**سرنگون شدن سی هواپیما**  
**دانگون** - خبرگزاری انگلیس خبر میدهد اعلامیه وسی که امروز در دانگون انتشار یافته منشریر آنت که دسته های نیروی هوایی متفقین میله ده نیروهای هوایی و زمینی ژاپن ضربت های ممتدی وارد آورده اند طی روز قریب سی هواپیمای شکاری سرنگون گردید.

**پرواز هواپیما**  
**واشنگتن** - چنانکه خبرگزاری انگلیس خبر میدهد نماینده کاخ سفید امروز اظهار داشته است امروز در ایستگاه نیروی هوایی امریکا در برن اوضاع کرانه باختری امریکا پیوسته اطلاع دارد و غراویکه خبر

**آگهی**  
چون برای رفاهیت خاطر و امانتکین چندین طریق تصویب نامه هیئت وزیران نرخ چندین کارخانهای قدشاه آباد شازند اراک - آیکوه مشقه - مرودشت فارس - میانلو آب ارسال ۱۳۲۱ سیدمقر هر سیمه کیلو شصت (۶۰) و بال و نرخ چندین و کارخانهای قد کهریزک و کرج بقرار هر سیمه کیلو هشتاد (۷۰) و بال تعیین گردیده بنا بر این مراتب با اطلاع عموم کشاورزان و مالکین چندین کارخانه که با کمال میل و رغبت و دلگرمی و محصول اطمینان از سود برداشته خود بکشت چندین مبادرت ورزیده و یک بفرخور حال خویش نسبت به پیشرفت و توسعه آن جدیت و مراقبت کنند تا منظور اصلی یعنی تهیه نه اکثر محصول که سود و عایا و کشور و ایست بآن است تهیه و بکارخانهای قنّه تحویل گردد.

بیکار خانهای قنّه نیز در این خصوص دستور لازم داده شده است تا با مالکین چندین کارخانهای مساعدت و همکاری را بعمل آورند.

ش ۱۰۸ وزارت بازرگانی و پیشه و هنر

**تمدید آگهی مناقصه شماره ۶۴۸**  
وزارت بازرگانی و پیشه و هنر مدت مناقصه شماره ۶۴۸ موضوع خرید پنجهوار بزرگ کالاه صناعی مورد نیاز کارخانه های قنّه را تا ساعت ۹ صبح روز ۲۰ و ۱۲ و ۲۰ تمدید مینماید. پیشنهادها در ساعت ده صبح همانروز در اداره کار برداری بار و خواهد میشود.

ش ۱۰۷ وزارت بازرگانی و پیشه و هنر

**آگهی**  
اداره سرورشته داری ارتش مقداری متعادل به قطر هفت الی هشت میلیمتر بمناقصه خریداری مینماید. دوا طلبان پیشنهادهای خود را دو یا یک لات داری که روی آن عبارت (مناقصه متعادل) نوشته باشد تا آخر وقت اداری روز چهارشنبه سیتم اسفند ماه بهتر اداره سرورشته داری ارتش تسلیم و مبلغ چهار هزار ریال بنام این اداره دو دفتر خزانه داری ارتش سپرده رسد آنرا پیوسته پیشنهادی سرورشته آتانبیک برنده مناقصه شناخته نشود فوراً و سپرده برنده مناقصه پس از بسن بیلان سپرده می شود پیشنهادهای رسیده ساعت (۱) روز پنجشنبه یست و یکم اسفند ماه یا حضور پیشنهاد دهندگان که حاضر باشند بار و وسیده کی میشود.

ش ۱۰۶ ۱-۲

**آگهی**  
وزارت بهداشتی برای معالجه نقرانی که بسیار بگیری و قادر به حرکت نباشند آقایان پزشکانت ذیل را که حاضر شده اند بپاینت آنها بیرون معرفی مینماید:

**اسم و شهرت بر تریب حروف تهجی**

آقای دکتر امامی (مرضی)	خیابان چراغ برق نزدیک سرچشمه
» » » » » » (محمود)	خیابان ری کوچه باغ آصف نزدیک حمام قرقانیه
» » » » » » (ابراهیم)	بازارچه کرلاهی جاسملی خیابان البرز
» » » » » » (فضل الله)	تجریش میدان تجریش
» » » » » » (داود)	خیابان شاهپور و روبروی مدرسه امنیه از چهارراه گمرک پایتخت تر
» » » » » » (موسف)	خیابان ایران (عین الموله سابق)
» » » » » » (مستط الحکماء)	سنگلج کوچه مرحوم حاج شیخ فضل الله

که در موقع ضرورت و مراجعه کردن بپایان از آنها مجازاً عیانت نموده و نسخه داروی رایگان بپذیرند.

شماره ۴۶۸-۵ ۱۰۵-۲ وزارت بهداشت

**مطلوب همه**  
کاستن هزینه روزانه: در زمستان بوسیله سوخت کم زحمت و حرارت ارزان:  
هر اطاقی را با بخاری نفتی میتوان گرم نگاه داشت  
هر گونه کرما به با مختصر هزینه نفت سوز میشود  
بافت آشپزی جالب تر است  
تهیه نفت گاز بی درد سر است - سوزاندن نفت گماشته مخصوص نمیخواهد نفت سوزی هزینه روزانه را می کاهد.

شماره ۱۵ شرکت نفت میهن - خیابان اکباتان

رسیده است امروز صبح زود دو دسته هواپیمای دشمن ترانر آن ناحیه دیده شده است.

**اوضاع جنگ برمه**  
**دانگون** - خبرگزاری انگلیس خبر میدهد اعلامیه لشکری که امروز انتشار یافته است چنین اشعار میدارد در جبهه جنوبی با دشمن هیچگونه تماس حاصل نشده است.

نیروی ما پس از یکروز زد و خورد شده بدیده در کلو رود خانه سیتانک موضع گرفته است درجبهه شمالی هیچگونه واقعه ای رخ نداده است.

**اعلامیه وزارت جنگ امریکا**  
**واشنگتن** - خبرگزاری انگلیس خبر میدهد اعلامیه وزارت جنگ امریکا که روز چهارشنبه انتشار یافته چنین اشعار میدارد دو سراسر جبهه باطلان میان نیروهای کشتی ما و دشمن زد و خورد های شدیدی بوقوع پیوسته است طی عملیات تهاجمی تمام دسته های کوچک نیروی ما مغفرت حاصل کرده اند.

هنگامه - یکصد و شصت و یک هواپیمای دشمن تحت حمایت چهارده هواپیمای شکاری بر فراز جاده با هفت هواپیمای شکاری امریکا از نوع (ب-۲۹) زورور شدند.

هواپیماهای دشمن از میدان بدر رفته هواپیماهای ما یک سب افکن و یک هواپیمای شکاری دشمن

شماره ۳۰۰

ولی یک خواهد خواهد

متکین پیدا شده که جلد

نوشتن

اینها یک بد اخلاق این افراد

و باین ل تنها یک دست بهم گرفته در

و با دست نومیذی

و باید ه خود تیس و مرد و جرنه و در این کم

و زند کار خود نشان که می

داشت بود و در واهی که

از برخی باید از

چنین می ویر توم ویرا می خواهند خود را با

نیکان و توده کبر

خدا را با این نوشته نزد هر

عوقه جدایی از و برای بی اختیار دست دانه تعمیر ادایم فوری این وی غیرم و بعضی بلکه در چینه تقری قوم خانه گاههای آن روزی میگردند دادند با آذربایجان آنتکس بو بود و گو میگردند با وجود سرپرستان

**شرکت چایخانه تابان**  
تلفن ۷۴۵۵